



من عکاس جنگ نیستم؛ راویِ ذبح شدن خاطراتم. همیشه
از پشت لنز به دنیا نگاه می‌کردم تا دردش کمتر باشد، اما این
بار انگار از زخم‌های خودم عکس می‌گرفتم. این‌ها فقط آجر
و سیمان نبودند؛ همه‌ی سهم ما از دلخوشی‌های این شهر
بودند که حالا زیر آوار نفس می‌کشند. هر بار که شاتر می‌زدم،
انگار تکه‌ای از گذشته‌ام را دفن می‌کردم.

